

{jcomments on}

برای اینکه تحریم های بی سابقه غرب بر علیه جمهوری اسلامی اثرات فاجعه بار خود را بر اقتصاد ایران نشان دهند کمتر از سه ماه زمان لازم بود. کاهش 50% درآمدهای ارزی دولت و صندوق خالی ذخیره ارزی از یک سو و اثرات روانی محاصره اقتصادی و جنگ دست به دست هم دادند تا ارزش پول ملی در چند ماه بیش از 200% کاهش یابد. کاهش ارزشی که در شرایط فعلی با ناتوانی دولت در کنترل بازار و شرایط هراس اقتصادی به سختی میتوان پایانی برای آن متصور بود. ناپایداری قیمت ریال و عدم امکان ارزش گذاری آن این روزها سبب اختلال جریان سرمایه در ایران شده است. تولیدکنندگان، واردکنندگان و عرضه کنندگان کالا از آنجا که امکان ارزش گذاری کالاهای خود را به ریال از دست داده اند از فروش اجناس خود خودداری میکنند و چرخه تولید و واردات کالا را متوقف کرده اند. به عنوان نمونه ای از این انسداد میتوان به توقف ورود لپ تاپ به کشور اشاره کرد. از سوی دیگر با کاهش شدید قدرت خرید مردم و افزایش روزانه قیمت کالاهای بخش تقاضای بازار نیز به شدت لطمه دیده و به ایستایی سرمایه دامن زده است. این سکون سرمایه در اقتصاد سرمایه داری ایران که همانند تمام سرمایه داری های دیگر با حرکت و گردش سرمایه گره خورده است در بخش تولید و اشتغال اثرات خود را بیش از همه نشان داده است. سیل عظیم تعطیلی واحدهای تولیدی و بیکاری کارگران این روزها به خوبی به این امر گواهی میدهند. در چنین شرایطی سرمایه ساکن شده که با سقوط ارزش ریال در معرض تهدید قرار گرفته به بازار طلا، دلار و هر کالای دارای ارزش فیزیکی یا ارزی حمله کرده و سیکلی بی انتها از تورم ایجاد کرده است. در این میان بازار بورس نیز از این سرمایه درهاس از کاهش ارزش بی نصیب نمانده و شاخص بورس تهران برای اولین بار پس از 46 سال از مرز 27 هزار و 440 واحد عبور کرده است. در ادامه این روند هراس اقتصادی می توان اشاره کرد که سرمایه ای که با اشباع بازار طلا، دلار و بورس خانه امنی برای خود نیافته با سرازیر شدن به بازار مسکن تورم بی سابقه ای را در این بازار ایجاد خواهد کرد .

برندگان و بازندگان

تلقی غلبی که بازار و صاحبان سرمایه را برنده بحران ارزی می داند این امر را نادیده میگرد که افزایش ریالی سرمایه بازاریان را نمیتوان سود نامید. اگر چه در ابتدا گروهی از بانک ها و واردکنندگان با سواستفاده از ارز دوبرخی و فروش دلارهای ارزان خود به قیمت بازار ثروت هنگفتی به جیب زدند اما با برداشت های دولت از حساب بانک ها و قطع ارائه ارز ارزان قیمت این امر کاهش قابل توجهی یافته است. کلیت بازار اما سواي کلان سرمایه دارهای بخش فاینانس و دلالان ارز در بهترین حالت ارزش سرمایه شان در صورتی که در غالب ریال نبوده باشند تنها «حفظ» شده است. از سوی دیگر کاهش شدید تقاضا، ارزش بخشی از این سرمایه در دست خرده مالکان و تجار خرده پا را به خطر انداخته است. بورژوازی و بازاریان ایران در کلیت شان اگرچه به هیچ وجه به اندازه طبقات پایین اجتماعی از بحران پولی کشور آسیب ندیده اند اما به طور حتم برنده این بحران نیز نبوده اند .

به عنوان تنها برنده بحران اقتصادی ایران باید از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نام برد. فروپاشی اقتصاد ملی، خروج شرکت های خارجی از طرح های عظیم نفت و گاز و ناتوانی رقبات داخلی سپاه در تامین نقدینگی، تمامی فضای اقتصادی ایران را بی دفاع در دسترس قرارگاه های اقتصادی سپاه قرار داده است. از سوی دیگر دولت به دلیل ناتوانی از اداره بازار در نهایت ناچار به درخواست کمک از نیروهای امنیتی خواهد بود. کمکی که بیش از پیش به سیطره سپاه پاسداران بر اقتصاد ایران دامن خواهد زد. استقبال اخیر فرماندهان سپاه از جنگ، متشنج کردن فضا و رد هرگونه مصالحه ای را باید در راستای این منفعت پنهان رمزگشایی کرد. برخلاف هدف اصلی غرب، تحریم ها و تهدید جنگ نه تنها به تضعیف بخش نظامی و تدروی جمهوری اسلامی منجر نشده است بلکه فرصتی تاریخی برای کنار زدن رقبات سابق و چنگ اندازی کامل بر ایران برای این نهادها فراهم کرده است .

اعتراضات مردمی

اعتراضات گسترده 12 مهر در بازار تهران را میتوان حلقه اول از زنجیره ای دانست که پتانسیل شکل گیری در مکان های دیگر از جمله کارخانه ها، ادارات، مدارس و دانشگاه ها و یا خیابان را دارد. زنجیره ای که این بار بخش بزرگی از طبقات مختلف و حتی جناح های در معرض انقراض جمهوری اسلامی را در برابر سپاه و گروه های نزدیک به آن قرار خواهد داد. از سوی دیگر درآمدهای ناچیز ارزی دولت و صندوق خالی ذخیره ارزی کشور، امکان امتیازدهی به گروه های پر قدرت تر بازاری و بورژوازی ایرانی را بیش از پیش ناممکن ساخته است. در برابر این ناتوانی در کنترل بازار جمهوری اسلامی چاره ای جز امنیتی کردن هر چه بیشتر اقتصاد ایران نخواهد داشت. مشیت آهنینی که یکی از نخستین ضربه های آن را میتوان در اعلام بازگشایی بازار با حضور نیروهای امنیتی مشاهده کرد. این زنجیره اعتراضات فراطبقاتی اگرچه ممکن است در آغاز محمود احمدی نژاد را هدف بگیرد اما با گذشت زمان، وخامت اوضاع و حضور سنگین امنیتی سپاه در نهایت متوجه کلیت نظامی نظام خواهد شد. مواجهه ای که در صورت رخ دادن میتواند برای ایران فرصتی برای نجات از جنگ فراهم نماید. فرصتی که احتمالاً آخرین فرصت خواهد بود.

رضا خلیج

Reza khalaj

Octobr 2012